

مکتب‌های سیاسی - فلسفی

مقدمات علم پزشکی یونان دخالت دین در علم پزشکی

ادامه از شماره قبل

در شیوه‌های پزشکی بقراتی که راه‌های مختلف آن امروز کشف شده است وجود مجسمه‌های فراوانی از آناتومی بدن انسان است که دانش جویان پزشکی یا پزشکان جوان با توجه به وجود این مجسمه‌ها و قطعه‌های مختلف از بدن انسان به تشریح بدن و درمان دردها می‌پرداخته‌اند. در عین حال شرایط فیزیکی اطاق عمل و حالت تابیدن نور و بسیاری از ریزه‌کاری‌های تخصصی جراحی در نوشته‌ها و جزوه‌های پزشکی بقرات نشان می‌دهد که این راه طولانی ۲۵۰۰ ساله تفاوت‌های چندانی با دانش پزشکی امروز نداشته است و کارهای انجام شده تا حدود زیادی شبیه به هم بوده‌اند. هم چنین است بیان ساده‌ترین تا پیچیده‌ترین کارهای

درمان فیزیکی و روانی بیماران و راه‌های مختلف جراحی‌های کوچک و بزرگ که در جزوه‌های آموزشی بقرات دست نخورده باقی مانده و تا امروز به دست ما رسیده است.

بزرگ‌ترین کار بقراتیون برهم زدن شیوه‌های پزشکی دینی و دعانویسی و جادوگری در علم طب بوده است. تا پیش از بقرات علم پزشکی شکلی از جادوگری داشته و جادوگران و کاهنان در اتحادی کامل و بدون رقابت منفی با یک دیگر به مداوای بیماران مشغول بوده‌اند. بیماران بی‌چاره با مراجعه به این شیادان با دو شیوه روبه‌رو می‌شده‌اند. یا مداوا و یا مرگ. چنانچه بیماری با مراجعه به دعانویسان پزشک!! بهبودی حاصل می‌کرد بر ارزش و اعتبار آن دعانویس و شهرت

وی افزوده می‌شد. بیمار اصلاً نمی‌فهمید که نقش آن کاهن یا شخص مذهبی و یا جادوگر در بهبودی وی هیچ‌گونه تأثیری نداشته است. به بیمار گفته نمی‌شد که به علت قرار گرفتن در شرایط ناسازگار بهداشتی بیمار شده و پس از گذشت دوره بیماری بهبودی یافته است. بیمار شفا یافته بهبودی خود را از معجزات دعانویسی کاهنان تصور می‌کرد. **در حالت دوم چنانچه بیماری با تمام تلاش ریاکارانه و حيله‌گری دعانویسان و جادوگران تلف می‌شد، این شیادان گناه مردن بیمار را به نادانی، بی‌تجربه‌گی و بی‌دانشی خود ربط نمی‌دادند.** بی‌درنگ نفوذ اجنه، شیطان و نیروهای غیبی را در مرگ بیمار دخیل دانسته و مرگ بیمار را برای اطرافیان به عنوان

۴۳

سال پنجم بهمن و اسفند ماه - شماره ۵۰۵۰۱

فردوسی

سوگند نامه‌ی بقرات

«من به آپولون^(۱) پزشک، به آس کلیپوس^(۲)، به هوگیا^(۳)،

به پاتاکیا^(۴) و به همه‌ی خدایان سوگند یاد می‌کنم

و آتان را نگاه خویش می‌سازم که تا آنجا که بتوانم

و آگاه باشم، بدین سوگندنامه وفادار بمانم. استاد

خویش را در این فن یا پدر برابر بدانم. وی را در هستی

خود شریک سازم. هرگاه به مال نیازش افتد، هرچه دارم با او در میان گذارم.

فرزند وی را برادران خود بدانم. اگر کسب این هنر را خواستار شدند، بر مزد و

بدون عقد پیمان، به تعلیماتشان همت گمارم. سوگند یاد می‌کنم که دانسته‌ها،

آموخته‌ها و اندر زهای خویش را از فرزندان خود، فرزندان استاد خود و شاگردان

سوگند خورده دریغ ندارم، اما کسان دیگر را از این علم چیزی نیاموزم. تا آنجا که

توانم و آگاه باشم دردهای بیماران را درمان کنم. هیچ‌گاه دانش خود را به کارهای

زشت و زیباربخش نگمارم. اگر از من بخواهند کسی را زهر دهم، هرگز چنین

نکنم و این کار را جایز ندانم. داروی سقط جنین به زنان ندهم. پیشه و زندگی خود

را پاک و مقدس نگاه دارم. هرگز چاقو به کار نبرم، حتی اگر بیماری را دچار سنگ

مثانه بینم. این کار را بر عهده جراحان کاردان و جیره‌دست بسپارم. به هر

خانه‌ای که قدم گذارم، قصدم فقط درمان درد بیماران باشد. هیچ‌گاه کسی را به

عمد زبان و آسیب نرسانم. از بدن مردان و زنان، آزاده‌گان و برده‌گان به ناحق سود

نبرم. هرگاه طی درمان بیماری‌ها یا در ضمن روابطی که با دیگران دارم، بر نکته‌ای

آگاه شوم که پنهان داشتش واجب باشد، هرگز آن را فاش نکنم. و این‌گونه نکات

را از رازهای مقدس بشمارم. اینک اگر به این سوگندنامه وفادار می‌مانم و پیمان

خود را نمی‌شکنم، شایسته‌ی آن هستم که جاودانه در بین مردم، با هنر و زندگی

خود، شهرت و نیک‌نامی به دست آورم و اگر پیمان خود را بشکنم، خلاف آن بر

من روا باشد.»

با آمدن به شفاخانه‌های بقراتی مورد
درمان و یا مراقبت‌های پزشکی قرار
می‌گرفتند.

بقرات برای نجات علم پزشکی
از حيله‌گری‌های دین‌داران و شیادی
جادوگران و چپاول کاهنان، اخلاق
را وارد علم پزشکی کرد و به مردمان
عصر خود آموخت تا فریب شیادان
را نخورند و چنان‌چه بیمار شدند نزد
پزشکان واقعی زن و مرد بروند و از
مراجعه به پزشکان دروغین که تعداد
آن‌ها به مراتب بیش‌تر از پزشکان
واقعی بود، خودداری ورزند.

بقرات برای نشان دادن درست
کاری، امانت‌داری، احترام گذاشتن
به استاد، راست‌گویی و رعایت
کامل اخلاق در علم پزشکی، سوگند
نامه‌ای تنظیم کرد که تا همین امروز
به عنوان منشور اخلاقی پزشکی
کسانی که می‌خواهند با انتخاب این
حرفه در اختیار انسان‌ها باشند، در
سرتاسر گیتی از اعتبار بسیار بالا و
شایسته‌ای برخوردار است و پزشکان
دانشگاه‌های مختلف جهان قبل از
آغاز به حرفه‌ی پزشکی این سوگند
را با تغییراتی اندک ادا می‌کنند.

درباره سوگند نامه پزشکی بیان این
نکته لازم است که هر سرزمینی با

خدا عنوان می‌کردند.

بقرات بسیار کوشید تا این تابوی
منفی ترس از بیماری و ذهنیت
ابلهانه‌ای که در درون جان و روح
شهروندان آتی رسوخ کرده بود به
درآورد و آن‌ها را با واقعیت‌های
بیماری و بهبودی و علم پزشکی آشنا
سازد. ساحران و جادوگران آن روز

اما بقرات در شهرها مرکزی ایجاد
کرد به نام «شفاخانه» یعنی
درمان‌گاه. یعنی بیمارستان و بیماران

توجه به سیستم حکومتی و اداری خود سوگندنامه‌ی ویژه‌ای برای پزشکان خود دارد. اما اگر فرم و محتوای تمام سوگندنامه‌های پزشکی در سر تا سر دنیا مورد بررسی قرار گیرند، چهار چوب و اساس همان باورهای بقرات در نخستین سوگندنامه‌ی پزشکی تاریخ در تمام سوگندنامه‌های پزشکی امروزی نیز آشکارا دیده می‌شود.

برای نمونه به سوگندنامه‌ی پزشکی سرزمین مان ایران توجه کنیم:

سوگندنامه‌ی پزشکی ایران

عقیده دارد:

«پزشک باید سخت مراقب خویشتن باشد. جز آن چه ضروری است، چیزی نگوید... هنگامی که به اطاقی وارد می‌شود، طرز نشستن، خویشتن داری، وضع لباس، قاطعیت گفتار، کم سخن گفتن، متانت و آداب معالجات بالینی را رعایت کند. بر حالات درونی خویش مسلط باشد. آشفته‌گی را مانع شود. خود را آن چنان آماده کند تا هرآن چه را واجب دید، در دم انجام دهد. پیشنهاد این

داشته باشد. گاهی بدون دریافت دست مزد خدمت کند. اگر غریب تنگ‌دستی را محتاج خود دید، یاریش کند. آن جا که عشق به انسان باشد، عشق به حرفه هم وجود دارد.»

بقرات می‌گوید بر پزشکان واجب است که فلسفه را نیز فرا گیرند. پزشکان فیلسوف با خدایان برابرند. آن چه که اعتراف به آن شایسته‌ی پژوهش یک پژوهش‌گر امانت‌دار می‌باشد این است که علم پزشکی یونان با آن همه آوازه، تخصص، آگاهی و دانش آکادمیک دست کم ۱۰۰۰ سال از علم پزشکی فرایش رفته‌ی مصر عقب‌تر بود.

اگر دخالت مذهب در علم پزشکی یونان متوقف شده بود، و اگر فلسفه و دین دست‌در دست یک‌دیگر سدا راه علم پزشکی نشده بودند، امروز خبرهای خوش‌آیندتر و پیش‌رفته‌تری از پزشکی یونان ۲۵۰۰ سال قبل در اختیار داشتیم.

و اما بسیاری از خردباوران و اندیشمندان فیلسوف و یا

فلسفه شناس بر این باور بودند که فلسفه نیز باید در علم پزشکی نفوذ

به نام یزد یکتا
لینک که به یاری پروردگار یگانه و پشتوانه مهر بی‌کران او وبا بهره مندی از نعمت‌های بی‌شمار او دوره دکترای در علم پزشکی را به پایان رسانیده و مسئولیت خطیر به دوش کشیدن این عنوان را پذیرا می‌شوم ، از درگاه او یاری می‌جویم تا در انجام این وظیفه‌ی حساس لحظه‌ای کوتاهی ننمایم . من در برابر قرآن کریم ، به خدلوند قادر متعال ، خدایی که بر همه‌ی امور آگاه است و خدایی که سلطان بی‌چون و جرایی همه‌ی موجودات است ، سوگند یاد می‌کنم که در معالجه و راهنمایی بیمارانی آن گونه که شایسته‌ی جای گاه بلند انسانیت است ، تلاش و کوشش کنم . قداست و معنویت طبابت را در بهبود روحیه و بازگرداندن سلامت بنده‌گان خدا در نظر داشته باشم و از آلودن آن به لغراض ناچیز و ناپایدار مادی ، هوله‌ای نفسانی و وسوسه‌های شیطانی اجتناب نمایم و سلامت و بهبود بیمارانی را برنافع شخصی خود مقدم بدارم و به نیرنگ و فریب ثروت و هوس از راه راست منحرف نشوم . از خیانت به بیمارانی و پای‌مال کردن حقوق آنان پرهیز کنم و نسبت به حفظ اسرار آنان جز به هنگام ضرورت پای‌بندی کامل داشته باشم و به لهجوری که با آیین انسانی و پرهیزگاری و شرافت در ستیز است خود را نیالایم و هرگز به سبب مسایح هادی، بیجاری را از خدمات پزشکی محروم نسازم. اکنون با پیچانی استوار این سوگند نامه را لغضا می‌کنم و آن را به نام سند پرهیزگاری حرفه‌ای و شرافت خویش به پیش‌گاه پروردگار یگانه تقدیم می‌نمایم .
پروردگارا مرا به آن چه مورد رضای تو و بنده‌گان تو است موفق بدار.

است که بر بیمارانی سخت‌نگیرد. استطاعت مالی بیمارانی را در نظر

بقرات در مورد وضعیت ظاهری، علمی و روانی پزشکان

کند و یا علم پزشکی باید به فلسفه پیوند بخورد. به باور پیروان این نظریه، اگر پزشک علاوه بر وظیفه‌ی پزشکی خود، فلسفه را نیز فرا گرفته باشد، هرگز به خطا نخواهد رفت و قدرتی به نام حکمت او را از لغزش‌های احتمالی اخلاقی، احساسی و مادی نجات خواهد داد. چنان‌چه دانش پزشکی با شرافت فلسفی به هم درآمیزند، پدیده‌ای به وجود می‌آید که باعث سرفرازی انسان‌ها و زندگی شرافت‌مندانه خواهد شد. برخی پارا بسیار فراتر گذاشته بودند و می‌گفتند:

۴۶

چنان‌چه یک پزشک به رموز حکمت دست یابد و فلسفه را با دانش خود درآمیزد بی‌گمان با خدا برابر است. در علم پزشکی یونان هرگز برای مداوای بیماران پولی به زور ستانده نمی‌شد. این بیماران بودند که پس از بهبودی سکه‌های طلا و یا هدیه‌های گران‌قیمتی را به پزشکان خود تقدیم می‌کردند. این گونه نبود که بیماران نادار و فقیر در گوشه‌های خیابان‌ها جان بسپارند. حتماً ماهرترین پزشکان این عصر بدون کوچک‌ترین ادعای جان‌بخشی و زندگی دادن دوباره

به بیمارانشان بدون چشم داشت مادی قبل از مداوای بیماران پولی را از مردم دریافت نمی‌کردند. به زبانی ساده‌تر پزشکی در یونان این دوره نوعی کاسبی، آن‌گونه که



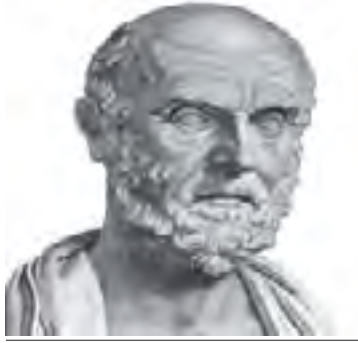
امروز شاهد آن هستیم نبود. اگر پزشکی پیدا می‌شد که از سوگندنامه‌ی پزشکی دور می‌شد و

اخلاق انسانی را جای‌گزین منافع مادی این حرفه می‌کرد، به شدت مورد تنفر جامعه و مردم قرار می‌گرفت و از کار رانده می‌شد.

به همین سبب تمام خردمندان به یقین باور داشتند که برای جلوگیری از سقوط اخلاقی در علم پزشکی و تبدیل آن به یک کسب و کار پردرآمد باید پزشکان را داخل دنیای فلسفه کرد و به آن‌ها آموخت تا علم پزشکی را به حرفه‌ی صراف‌ی تبدیل نکنند.

اینک که علم پزشکی یونان مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد، شایسته نیست که از دامنه‌ی بسیار گسترده علم پزشکی مصر سخنی به میان نیاید. پزشکی یونان باستان با آن همه تجربه، تخصص و شایسته‌گی‌هایش در مقابل علم پزشکی مصر باستان هم ۱۰۰۰ سال از نظر تاریخی عقب‌تر است و هم از نظر علمی و تخصصی.

پزشکان یونانی در علم پزشکی سرپایی و جراحی‌های کوچک و بزرگ به هیچ روی در اندازه و مهارت پزشکان مصری نبوده‌اند. **اسراری ناگفته** و بسیار پنهانی در علم پزشکی مصر وجود داشت که



زیرنویس‌ها:

- 1 - APOLON
- 2 - ASKELPIUS
- 3 - HOOGIYAYA (الاهه‌ی تندرستی)
- 4 - PANAKIYA (الاهه‌ی درمان‌ها)

منابع:

- 1 - NEW COLLEGE EDITION
AMERICAN HERITAGE DICTIONARY
- 2 - AMERICANA ENCYCLOPAEDIA
(AMERICAN BIG DICTIONARY)
- 3 - A HISTORY OF POLITICAL
THEORY BY SABIN & THORSON
- 4 - A HISTORY OF WORLD PHILOSOPHY
BY PROGRESS PUBLISHERS
- 5 - A DICTIONARY OF POLITICS
BY PENGUINE BOOKS

- ۶- تاریخ و تمدن ویل دورانت - ویل دورانت‌ها
- ۷- تاریخ فلسفه‌ی غرب - لورد برتراند راسل
- ۸- مبانی فلسفه - دکتر علی اکبر سیاسی
- ۹- فرهنگ بزرگ دهخدا
- ۱۰- تاریخ تمدن یونان باستان
- ۱۱- عصر اساتیر در یونان باستان
- ۱۲- تاریخ ایران از دوران باستان تا قرن هجدهم (ن.و).
پیگولوسکایا-آ.یو. یا کوبوسکی-ای.پ. پتروشوسکی
-آ.ام. بلینتسکی - ل.و. استویوا (معروف به پنج استاد)
ترجمه‌ی کریم کشاورز.

به همین سبب و به علت نزدیکی جغرافیایی یونان با اروپا، اندیشه‌های علمی و نظری این کشور بسیار سریع‌تر از سایر قسمت‌های جهان مورد استفاده مراکز علمی قرار گرفت. اما مصر در کانون تمدنی اروپا قرار نداشت. به دلیل فاصله‌ی زمانی و مکانی آفریقا تا اروپا با آن مشکلات ارتباطی ده‌ها قرن پیش، دانش پزشکی مصر نتوانست به مراکز علمی اروپا راه یابد و آن اسرار پیچیده و نهفته‌ی کیمیاگران پزشکی هم‌چنان به صورت راز سر به مهر باقی ماند و کسی از اسرار شگفت‌انگیز پزشکی این سرزمین آگاه نشد.

واقعیت این است که اتحاد فلسفه و دین در مقابل علم پزشکی در یونان راه پیشرفت و توسعه‌ی بیش‌تر این علم را گرفت. چنان‌چه فلسفه به صورت متحد و هماهنگ کننده علم پزشکی درآمده بود، نه تنها از دست دین‌باوران مخالف علم پزشکی کاری ساخته نبود، بل که امروز شاهد شگفتی‌های بیش‌تری در علم پزشکی این قسمت دنیا بودیم.

ادامه دارد ...

در یونان دیده نمی‌شد. بسیاری از بیماران سخت درمان و یا غیرقابل درمان از نظر علم پزشکی یونان، در علم پزشکی اسرارآمیز مصر به راحتی جراحی، مداوا و از مرگ حتمی نجات پیدامی‌کردند. درست است که علم پزشکی یونان دروازه‌های سال‌های پایانی قرن ۱۹ میلادی اروپا و سرتاسر دنیا را تسخیر کرده بود و بی‌گمان تا امروز هم چنان کانون‌های مختلف پزشکی جهان کم و بیش تحت تأثیر آن هستند، اما این‌ها دلیلی بر ناتوانی و یا کم‌اهمیتی علم پزشکی مصر نیست. علت اصلی این عدم نقل و انتقال دور بودن مصر از کانون تمدنی اروپا بوده است. چه بخواهیم و یا نخواهیم، اروپا بعد از گذار وحشت‌انگیزش از دوره قرن‌های میانه (قرون وسطا) خیلی سریع خود را بازیافت. وارد انقلاب‌های بزرگ فرهنگی و صنعتی شد و نوعی دگرذیسی تمدنی در سراسر کشورهای غربی صورت گرفت و با جدایی جدی دین از سیاست با سرعت در شاه‌راه پیشرفت‌های علمی و صنعتی قرار گرفت.